

ساختمان کلمه

پسوند و پیشوند

کلمه یا ساده است یا مرکب .

ساده کلمه‌ای است که دارای اجزای مستقل نباشد .

مرکب کلمه‌ای را می‌گوئیم که از دو جزء یا بیشتر ترکیب شده

باشد .

يك نوع از کلمات مرکب آن است که از پیوستن دو اسم یا اسم

و صفت حاصل شده باشد. یعنی هر يك از اجزای آن دارای معنی مستقل

و جداگانه باشد، و از ترکیب آنها معنی واحد دیگری بدست بیاید. مانند

کتابخانه که هر يك از دو جزء آن یعنی کتاب و خانه معنی مستقلی دارد

و پس از ترکیب معنی تازه‌ای پیدا می‌کند .

کلمات زیر:

خردمند ، دانشور ، ناامید ، شرمگین ، غمناک ، بیکار ، گلزار ،

کوهستان .

هر يك دارای دو جزء است که مجموع آن دو جزء معنی واحدی را در ذهن شنونده می آورد. اما تنها یکی از این دو جزء در هر کلمه، خود کلمه مستقلی است که معنی جداگانه دارد. این اجزا در کلمات فوق بترتیب از این قرارند:

خرد، دانش، امید، شرم، غم، کار، گل، کوه
 جزء دیگر این کلمات هیچگاه جداگانه بکار نمی رود، بلکه کار آنها ترکیب با کلمه دیگر و ساختن کلمه تازه ای است. این اجزا عبارتند از:

– مند، – ور، – نا، – گین، – ناک، – بی، – زار، – ستان .

بعضی از این اجزا پیش از کلمه واقع می شوند . مانند :

نا – بی –

و بعضی دیگر در آخر کلمه قرار می گیرند . مانند :

– مند – ور – گین – ناک – زار – ستان

اجزایی را که خود دارای معنی مستقل نیستند و جداگانه بکار نمی روند، اما کلمه تازه ای از کلمه دیگر می سازند «جزء پیوند» می خوانیم. «جزء پیوند» اگر پیش از کلمه دیگر واقع شود «پیشوند» خوانده می شود و اگر پس از کلمه قرار گیرد «پسوند» است .

نوعی از کلمه مرکب آن است که از پیوستن يك کلمه مستقل با «جزء پیوند» حاصل می‌شود .

«جزء پیوند» لفظی است که خود معنی مستقل ندارد و جداگانه در سخن بکار نمی‌رود، بلکه همیشه با کلمه‌ای دیگر ترکیب می‌شود تا از آن معنی تازه‌ای بسازد .

هرگاه «جزء پیوند» پیش از کلمه اصلی واقع شود، آن را «پیشوند» می‌خوانیم و هرگاه به آخر کلمه دیگر پیوندد «پسوند» خوانده می‌شود .

* * *

پسوندها هر کدام معنی خاصی به کلمه اصلی می‌افزایند و با هر دسته يك نوع کلمه ساخته می‌شود . با افزودن پسوند از کلمه‌ای که اسم است اسم دیگری می‌سازند که معنی دیگری به معنی کلمه اصلی می‌افزاید . مثلاً پسوند «دان» چون به کلمه دیگری پیوندد، بر ظرف یا جایی که مفهوم آن کلمه در آن می‌گنجد دلالت می‌کند . به این طریق :

نمک + دان = نمکدان - جای نمک

سنگ + دان = سنگدان - جای سنگ

قلم + دان = قلمدان - جای قلم

شیر + دان = شیردان - جای شیر

کاه + دان = کاهدان - جای کاه

بعضی از پسوندهایی که از اسم اسمی دیگر می‌سازند با معنی خاصی که به کلمه می‌افزایند از این قرارند :

پسوند	معنی	مثال
بان	محافظ - نگهدارنده	باغ، باغبان - مرز، مرزبان - دشت، دشتبان
دان	ظرف - جا	مرغ، مرغدان - چینه، چینه‌دان - فلفل، فلفل‌دان
ك - ك	شبهت	موش، موشك - خر، خرك - سگ، سگك
چه	کوچکی - خردی	باغ، باغچه - طاق، طاقچه - بیل، بیچله
زار	جای افراد بسیار	گل، گلزار - لاله، لاله‌زار - سبزه، سبزه‌زار
ستان	مکان، محل	گل، گلستان - کوه، کوهستان - قبر، قبرستان
ه (بیان حرکت)	شبهت	گوش، گوشه - دندان، دندان‌ه - دست، دست‌ه

بعضی پسوندها با اسم ترکیب می‌شوند و از آن صفت می‌سازند .

نمونه آنها از این قرار است :

پسوند	معنی	مثال
مند	دارنده، صاحب	خرد، خردمند-هوش، هوشمند- دانش، دانشمند
ور	»	هنر، هنرور - دانش، دانشور - بهره، بهره‌ور
گر	کننده و بکار برنده	کار، کارگر - ستم، ستمگر - آهن، آهنگر
ناک	آلودگی - آمیختگی پیوستگی	نم، نمناک - خطر، خطرناک - غم، غمناک
آگین - گین	آلودگی - آمیختگی	عطر، عطر آگین - غم، غمگین - شرم، شرمگین
ین	جنس و اصل	سیم، سیمین - زر، زرین - چرم، چرمین
ینه	»	سیم، سیمینه - زر، زرینه - پشم، پشمینه
ی	نسبت	شهر، شهری - کوه، کوهی - فلز، فلزی

پسوندهای دیگری در فارسی هست که از ترکیب آنها با صفتی اسم

ساخته می‌شود. نمونه اینگونه پسوندها از این قرار است :

پسوند	معنی	مثال
ی	اسم معنی	سفید، سفیدی - مرد، مردی - بزرگ، بزرگی
ک	اسمی که به داشتن آن صفت مخصوص است	سرخ، سرخک - زرد، زردک - سفید، سفیدک
ه (بیان حرکت)	»	زرد، زرده - سفید، سفیده - شور، شوره

گاهی پسوند از اسمی با افزودن معنی خاصی به آن اسم دیگری
می‌سازد، مانند: گل، گلدان - نمک، نمکدان.

گاهی با افزودن پسوند به اسمی از آن صفتی می‌سازند، مانند: خرد،
خردمند.

گاهی پسوند از صفتی اسم معنی می‌سازد، مانند: سفید، سفیدی.